

به آلسکا وقتی که جان وین می‌گوید «لا اله الا الله»، یا «استغفرالله» تماشاگر می‌خندد.

○ خب خوشش می‌آید.

● چرا خوشش می‌آید؟ به دلیل این‌که شنیدن آن را از زبان جان وین انتظار ندارد و این عدم تناسب و غیرمنتظره بودن ایجاد خنده می‌کند.

○ اتفاقاً چون تناسب دارد ایجاد خنده می‌کند.

● اما تناسب که خنده‌آفرین نیست. اگر یک بازیگر ایرانی در فیلمی ایرانی و در موقعیتی مشابه این را می‌گفت که خنده‌دار نبود. وقتی جان وین می‌گوید، تماشاگر می‌خندد.

○ نه، من باز هم معتقدم که چون خوشش می‌آید، می‌خندد. مسالهای دیگر این‌که زمان را هم در نظر بگیرید. الان شانزده هفده سال از آخرین فیلم جان وین که من دوبله کردم، می‌گذرد. تا یادم نرفته یگویم که البته آخرین فیلمی که از جان وین دوبله کردم، مربوط به پس از انقلاب بود. سه پدرخوانده (جان فورد، ۱۹۴۹) را که دوبله کردم، پروانه‌ی نمایش به آن ندادند و گفتند باید دوبله‌اش عوض شود. البته کسی که در دوبله‌ی مجدد به جای من حرف زد، سعی کرد مثل من صحبت کند، و به او اجازه دادند که مثل من صحبت کند. یک مقوله‌ها و قلمروهایی ست که جزو مقدسات است و اسباب بازی نیست. اصلاً نباید وارد آن‌ها شد و من نشدم.

● منظورم این نبود که شما هتک حرمت کرده‌اید، اصلاً. منظورم نابه‌جا بودن و تناسب‌نداشتن است. این بی‌تناسب بودن ایجاد خنده می‌کند.

○ چیز بی‌تناسب ایجاد لحظه‌ی کمدی نمی‌کند. این یک اصل است.

● اتفاقاً یکی از اصول کمدی، «عدم تناسب» است.

○ عدم تناسب، ایجاد تعجب می‌کند نه خنده.

● آقای دوستدار، قصد کلنجار رفتن با شما ندارم. صدای تان را خیلی دوست دارم و معتقدم بجز بخش‌های اندکی از کارتان در دوبله‌ی فیلم‌های جان وین (که همین قسمت‌های مورد بحث است) صدای شما، شیوه‌ی حرف زدن تان و جمله‌های تان به جای او بسیار درست و متناسب و دلنشین و لذت‌بخش است. هنوز هم بحث من در مورد همان بخش کوچک زوائد است که بر بخش درست و لذت‌بخش کارتان سایه می‌اندازد. حالا اجازه بدهید بحث را به شکل این سوال مطرح کنم که شما شخصاً به کدام قسمت از کارتان انتقاد دارید؟

○ من یک انتقاد به خودم دارم که در فیلم ده فرمان (سیسیل ب. دمیل، ۱۹۶۵) ناچار شدم به جای چارلتن هستن حرف بزنم. البته صدای من با زمان پیری حضرت موسی (ع) تناسب داشت، اما با زمان جوانی حضرت هماهنگ نبود.

● منظورم دوبله‌ی جان وین است. اگر امکان داشته باشد که به گذشته برگردید و یک بار دیگر فیلم‌های جان وین را دوبله کنید، چه تغییری در کارتان می‌دهید؟ چه کارهایی را تکرار نمی‌کنید؟

○ اگر دوباره جان وین سر از خاک بردارد و همان فیلم‌ها را با همان تیپ بازی کند، و من هم قرار باشد فیلم‌های او را دوبله کنم، به جان عزیز خودت و خودم و پنج فرزندم، جز همان طوری که حرف زدم، طور دیگری حرف نخواهم زد!

● «حق جلوه‌ات بدهد!» راستش من که قانع نشدم، اما لنگ

انداختم! □

دیالوگ‌های اعتراض‌آمیز زندانی هم معنی داشته باشد؟

● شاید حالا پیشنهاد مناسبی نداشته باشم، اما قطعاً از آن تصنیف استفاده نمی‌کردم. اگر استفاده از صدای اصلی برای تماشاگر نامفهوم است، مثلاً می‌شد از ترجمه‌ی شعر تصنیف اصلی استفاده کرد و شعری نزدیک به آن ساخت که به زبان فارسی بشود آن را در قالب یک تصنیف خواند.

○ در فولکلور هر ملتی، سنت‌هایی وجود دارد که در فولکلور ملت‌های دیگر نیست. او یک تصنیف سنتی خودشان را می‌خواند و من هم به تبعیت از او این تصنیف را خواندم.

● او دارد یک تصنیف سنتی خودش را می‌خواند. شما در دوبله، قاعدتاً باید کاری بکنید که تا حد امکان به اصل اثر وفادار بمانید. به این ترتیب، شما بیش‌تر دارید او را به فولکلور ایران نزدیک می‌کنید.

○ ما داریم فیلم را به فارسی دوبله می‌کنیم، فقط ترجمه نمی‌کنیم.

● دوبله می‌کنید، اما نباید با مواد خارجی فیلم ایرانی بسازید.

○ نه این‌طور نیست. اگر من با یک اثر شکسپیر چنین کاری کرده باشم، حق است که اعدام شوم. بعضی از اشاره‌ها و کناره‌هایی که ریشه در فولکلور ملت‌های دیگر دارد، برای ما نامفهوم است و در یک فیلم کمدی، هیچ خنده‌ای ندارد. دنی کی در یک فیلم می‌گوید: «بهش گفتم که خیال می‌کنی هکلبری فین هستی؟» و حاضران در صحنه می‌خندند. خب، هکلبری فین که برای تماشاگر ما مفهومی ندارد، پس آن خنده هم برایش بی‌معنی جلوه می‌کند. وقتی فیلم پنج پنی (ملویل شاولسون، ۱۹۵۹) را دوبله می‌کردم و منوچهر نوذری هم به جای دنی کی حرف می‌زد، به جای هکلبری فین نوشتم «اتول خان رشتی»، و مجله‌ها شروع کردند به انتقاد. ما هنگام دوبله مجبوریم اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و واژه‌ها و کنایه‌هایی را که در زبان فارسی هست، به تناسب و قریب‌ی آن‌چه در فیلم خارجی وجود دارد، استفاده کنیم.

● هرچند فارسی‌تر کردن زبان کار درستی است، اما جای فرهنگ‌ها را نباید عوض کرد. مثلاً ممکن است در یک زبان، اصطلاحی برای این مفهوم وجود نداشته باشد که «بالاخره می‌بینیم آخر کار چه می‌شود»، و مترجم هم آن را تحت‌اللفظی، به همین شکل ترجمه کرده باشد. خب در این‌جا می‌شود گذاشت «جوجه را آخر پاییز می‌شمرند»، یا حتی با کمی اغماض یگویم «شاهنامه آخرش خوش است». اما فرهنگ آدم‌ها را که نمی‌توانیم عوض کنیم. مثلاً یک نفر در فیلم می‌گوید: Jesus Christ! خب این را به جای «یا عیسی مسیح!» می‌شود تبدیلیش کرد به «یا حضرت عیسی»، یا حتی «خدای من»، اما نمی‌شود یک‌باره به جایش گفت «یا قمر بنی‌هاشم» (ع) یا این‌که بگویم «یا امام حسین» (ع).

○ نه، ببینید، موضوع‌ها دارد کمی قاطی می‌شود. گفتم که من با هجو و ابتذال میانه‌ای ندارم، همچنین به شدت با به بازی گرفتن مقدسات مخالفم و اصلاً در برابرش گارد دارم.

● منظورم به بازی گرفتن نیست، کاربرد جدی آن است. یک ایرانی مسلمان، در موقعیت مشابه، ممکن است از این واژه‌ها استفاده کند، اما وقتی که همین واژه‌های جدی در یک موقعیت جدی مشابه از زبان یک بازیگر خارجی غیرمسلمان شنیده می‌شود، تناسبی ندارد. در فیلم شمال